مجله ایمنی زیستی
دوره ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹
ISSN 2716-9804 الکترونیکی، ISSN 2717-0632 چاپی

بایسته‌های کنوانسیون حقوق دریاها؛ جلوه‌ای از الزامات نظارت و کنترل پیمانکار در بهره‌برداری از منابع اعماق دریاها

جواد صالحی
دانشیار گروه حقوق دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران
Javadsalehi@pnu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۲
صفحه ۱۴۰-۱۲۱

چکیده

بهره‌برداری از منابع معدنی دریاها از موضوعات مورد توجه تمام دولت‌ها و اتباع آنها است. بهره‌برداری از منابع واقع در منطقه بستر دریا، موضوع الزامات مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها است که رعایت آنها برای تمام دولت‌های عضو آن ضرورت دارد. برخی از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها برای حمایت دولت‌های عضو از عملکرد پیمانکاران در منطقه بستر دریا، دارای بایسته‌هایی کلی و مبهم است. از اینرو، دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها نگران هستند که مبادا با حمایت از فعالیت اقتصادی پیمانکاران در منطقه بستر دریا تعهد به جبران اقدامات خسارت‌بار آن‌ها برعهده آنها قرار گیرد. چراکه این دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع معدنی منطقه بستر دریاها مباشرت ندارند. بدیهی است که عایدات اقتصادی آنها به‌خاطر حمایت از فعالیت پیمانکاران متقاضی اندک و ناچیز است. رفع ابهام از این نگرانی موضوع نظریه مشورتی است که از شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها در تفسیر مقررات کنوانسیون حقوق دریاها تقاضا شده است. قضات شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها با تفسیر مفاهیم اصلی مقرر در فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها شامل؛ اقدام مقتضی، تعهد به فعل و تعهد به نتیجه، استدلال کرده‌اند که تعهدات دولت حامی نسبت به عملکرد پیمانکار مورد حمایت برای فعالیت در منطقه بستر دریا از نوع تعهد به فعل است. دولت حامی برای تبعیت پیمانکار از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و قرارداهای فی‌مابین ابزارهای مناسب را به کار می‌گیرد و برای حصول نتیجه حداکثری و دستیابی به این اهداف تلاش می‌کند. تحت این شرایط تعهد به خسارات وارده به محیط زیست منطقه بستر دریا از سوی پیمانکار برعهده دولت حامی آن نیست. این رویکرد به‌معنای عدم جبران خسارات وارد به محیط زیست دریاها یا جبران آن از سوی صندوق امانی با تامین هزینه‌های آن از سوی تمام دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها است.

واژه‌های کلیدی: پیمانکار، کنوانسیون حقوق دریاها، شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، دولت حامی.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]
[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

مقدمه

الزامات بهره‌برداری از منابع معدنی واقع در اعماق دریاها (ناحیه)، در مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها و حفاظت و حمایت از محیط زیست دریاها در فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها به تفصیل ذکر شده‌اند. ناحیه شامل؛ بستر و کف اقیانوس و زیر آنها است که خارج از محدوده و مناطق تحت حاکمیت و صلاحیت ملی کشورها و فراسوی فلات‌قاره قرار گرفته‌اند (ماده (الف)(۱)۱ کنوانسیون حقوق دریاها). این وضعیت منصرف از حقوق حاکمیتی دولت ساحلی برای اکتشاف و استخراج منابع بستر دریا و آب‌های بالای بستر منطقه انحصاری اقتصادی و منابع طبیعی بستر دریا و زیربستر فلات‌قاره بر اساس مقررات مواد (۱)۵۶ و ۷۷ کنوانسیون حقوق دریاها و محدودیت‌های حاکم بر آن است (۱). کلیت مقررات فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها حاکی از پیش‌بینی تعهدات اصلی دولت عضو برای فعالیت در اعماق دریاها است. چراکه هر دولتی برای فعل متخلفانه قابل‌انتساب به آن دارای مسئولیت است (۲). مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از نقض تعهد در حقوق بین‌الملل از جایگاه مستحکمی در رویه و نظریه برخوردار است (۳). منشاء مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به گستردگی منابع حقوق بین‌الملل است. این وضعیت از موجبات نگرانی دولت‌ها در مراقبت از رفتارهای مسئولیت‌آور است. بنابراین فعالیت‌های پیمانکار در اکتشاف و استخراج منابع اعماق دریاها با تعهد دولت حامی وی صورت می‌گیرد (ماده (ب)(۲)۱۵۳ کنوانسیون حقوق دریاها).

مباشرت مادی فعالیت‌های اقتصادی در اعماق دریاها از سوی پیمانکار است، با اینحال تعهد جلوگیری از نقض مقررات مرتبط با آن برعهده دولت عضو حمایت‌کننده از آن (دولت حامی) است. این رویکرد بدان معناست که پیمانکار قبل از شروع فعالیت اکتشاف و استخراج منابع اعماق دریاها که مستلزم آثار زیانباری برای محیط زیست دریایی است، باید متوسل به حمایت دولتی شود که تعهد انتفاء تبعات منفی فعالیت‌های آن در قبال جامعه بشری را بپذیرد. اقدامات موجودیت‌های خصوصی قابل‌انتساب به دولت هستند، در جایی‌که آن‌ها کارکردهای عمومی

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

یا حکومتی را اعمال می‌کنند یا تحت‌کنترل آن‌ها مجاز به فعالیت فراسرزمینی می‌شوند (ماده ۸ پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، ۲۰۰۱). بر اساس حقوق بین‌الملل عام، اصل بر این است که رفتار یک شرکت قابل‌انتساب به دولت نیست. با اینحال این وضعیت در رابطه با ارگان‌های حاکمیتی یا منسوب به دولت یا تحت‌حمایت آن تا حدودی متفاوت است. رفتار اشخاص یا نهادهای غیردولتی نیز قابل‌انتساب به دولت است، زمانی‌که قدرت اعمال بخشی از اقتدار دولت به وسیله نهادهای دولتی به آنها تفویض شده است. بر همین اساس نیز دولت حامی متعهد به تضمین تبعیت پیمانکار از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها است تا حدی‌که هرگونه سرپیچی پیمانکار از رعایت مقررات منجر به نقض تعهد دولت حامی و تکلیف آن به جبران خسارات وارده از سوی پیمانکار به محیط زیست منطقه اعماق دریاها در این زمینه می‌شود. با اینحال ماهیت و استانداردهای خاص تعهدات دولت حامی چیست؟ تعهد به «مراقبت» (ensure) مقرر در ماده (۱)۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها باعث ابهاماتی در نوع این تعهد شده است که مستوجب نگرانی دولت حامی پیمانکاران معدن‌کاوی در اعماق دریاها است.

ماده ۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها مسئولیت و تعهد خاصی را برای دولت‌های عضو در ارتباط با فعالیت شرکت‌های متقاضی تحت‌حمایت دولت عضو در ناحیه ایجاد می‌کند. مقررات ماده ۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها بدون خدشه به قواعد حقوق بین‌الملل تأکید می‌کند که اول؛ دولت‌های عضو باید به نظارت بپردازند برای اطمینان از اینکه فعالیت‌ها در ناحیه خواه از سوی دولت‌های عضو، نهادهای دولتی، اشخاص حقیقی و حقوقی و دارای تابعیت دولت عضو یا تحت کنترل آنها یا اتباع داخلی مطابق با مقررات کنوانسیون حقوق دریاها است، و دوم؛ بدون خدشه به مقررات حقوق بین‌الملل، خسارات ناشی از کوتاهی دولت‌های عضو یا سازمان‌های بین‌المللی در انجام تعهداتشان باید جبران شوند. این تعهد در قالب تعهد به مراقبت است که حدود و ثغور آن مشخص نیست، صرف‌نظر

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

از اینکه این تعهد حسب مورد در دیگر پرونده‌های پیش‌روی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز کاربرد دارد (۴). این ابهام موضوع سوال حقوقی دولت نائورو (Nauru) در نشست سال ۲۰۱۰ دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها است که به موجب آن از شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها تقاضای پاسخ به آن مطرح شده است. این تقاضا در قالب نظریه مشورتی به شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها پیشنهاد شده است تا به موجب آن تعهدات دولت حامی در حوزه فعالیت در بستر دریاها تشریح شود. مقام بین‌المللی دریاها برای اولین‌بار در سال ۲۰۱۰ از شعبه تقاضای صدور نظریه مشورتی کرده است. مقام بین‌المللی دریاها طی تقاضایی از شعبه به طرح و درخواست پاسخ به سوال راجع به نوع تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها در حمایت از فعالیت‌ها در اعماق دریاها بر اساس مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها و موافقت‌نامه اجرایی آن پرداخته است که بررسی و تحلیل آن دارای اهمیت است. فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها دارای موافقت‌نامه اجرایی است که مصوب سال ۱۹۹۴ است. این موافقت‌نامه جزء لاینفک کنوانسیون حقوق دریاها است که از طریق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (GA Res. 48/263 (28 July 1994), 33 ILM 1309, 1994) پذیرفته شده است. چارچوب کلی این موافقت‌نامه در ارتباط با بهره‌برداری دولت‌های عضو از منابع معدنی بستر و زیربستر اعماق دریاها فراسوی فلات‌قاره با رعایت مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها است.

بر این اساس سوال اصلی پژوهش این است که تعهدات دولت حامی در حمایت از فعالیت‌های پیمانکار تحت‌حمایت آن در ناحیه چیست؟ نتایج این تحقیق نشان می دهد که دو دسته از تعهدات دولت حامی شامل؛ ۱) تعهد مراقبت از تبعیت پیمانکار مورد حمایت از شروط قرارداد و تعهدات مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها و قوانین مرتبط و ۲) تعهدات مستقیم دولت حامی (مستقل از تعهد مراقبت از تبعیت پیمانکار) بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و موافقت‌نامه‌های مرتبط با آن هستند که در نظریه مشورتی نیز مدنظر شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

تشریح، تطبیق و نقد دست‌آوردهای حقوقی فعالیت پیمانکار در ناحیه و تعهدات دولت حامی در این رابطه مطابق با نظریه قضات شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها از دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در پاسخ به سوال مقام بین‌المللی دریاها با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در این زمینه موضوع این نوشتار است.

۱) تعهد دولت بر حفاظت از دریاها در حقوق بین‌الملل عرفی

حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق بین الملل در تنظیم روابط بین‌المللی بین دولت‌ها با یکدیگر نقش بسزایی دارد. کنوانسیون حقوق دریاها از اسناد جامع مقررات مربوط به دریاها و زمینه‌ساز حقوق بین‌الملل عرفی است. این وضعیت بدان معناست که تعهدات مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها هم متکی بر عرف بین‌الملل و هم سازنده آن است. در این شرایط تعهدات مقرر در این کنوانسیون حقوق دریاها حتی نسبت به دولت‌های غیرعضو به‌دلیل عرفی‌بودن نیز قابل‌تسری است. درحالی‌که ادعای دولت‌های غیرعضو کنوانسیون حقوق دریاها بر عدم تبعیت از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها به لحاظ عدم عضویت در آن منطقی نیست. بنابراین عدم تبعیت از این مقررات به لحاظ عرفی بودن، ولو برای دولت‌های غیرعضو ناگزیر است. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز در همین راستا و با هدف نظم دادن به استفاده منطقی و عادلانه از دریاها و آب‌های آزاد و جلوگیری از تعرض به محیط زیست دریاها شکل گرفته است.

جنبه ماهوی تعهد عدم ایراد خسارت به محیط زیست جهانی به خوبی استقرار یافته است. بر این اساس اگر بتوان عمل خسارت‌بار را متوجه دولت مسئول یا موجد آن کرد، بار کردن مسئولیت بر دولت مستلزم نقض یک تعهد بین‌المللی است. حقوق عام مسئولیت بین‌المللی دولت در دو وضعیت امکان انتساب مسئولیت بین‌المللی به یک دولت را به خاطر اعمال مغایر با حقوق بین‌الملل از سوی اشخاص حقوقی متبوع آن پیش‌بینی کرده است:

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

نخست، جایی‌که دولتی به یک شرکت اختیار می‌دهد تا اعمال اقتدار عمومی (یا حاکمیتی) را اجراء کند؛ دوم، در جایی که شرکت به دستور، یا تحت هدایت یا کنترل یک دولت عمل می‌کند یا در جایی که دولت از طریق کمک کردن به فعالیت شرکت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی ارتکابی توسط دولت دیگر یا خود آن شرکت معاونت دارد. تحت این شرایط دولت از منظر حقوق بین‌الملل مسئولیت دارد. در همه این موارد چنین اعمالی به دولت قابل‌انتساب هستند (۵)، حتی در جایی‌که اعمال مزبور خارج از قلمرو سرزمینی آن ارتکاب یابند.

۲) مسئولیت دولت در قبال آلودگی محیط زیست دریاها

مسئولیت اولیه برای حمایت از حقوق بشر و محیط زیست آن در مقابل شرکت‌های فراملی برعهده دولت میزبان است. چراکه حقوق بشر در قلمرو آن نقض شده است و محیط زیست از قِبَل آن آسیب‌دیده است. اعمال حاکمیت هر دولت بر منابع طبیعی قلمرو داخلی، بهره‌برداری از آن‌ها و جلوگیری از دخالت دیگر دولت‌ها در این حوزه نیز متاثر از همین اصول در عرصه حقوق بین‌الملل است. ارتباط منطقی میان حفاظت و تامین منافع حداکثری بشریت از محیط زیست در آموزه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست برقرار شده است. اعلامیهٔ استکهلم (declaration of the UN conference on the human environment, Stockholm, 1972) حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی را محدود به استفاده سازگار با محیط زیست کرده است. اصل ۲ اعلامیهٔ ریو (Rio declaration on environment and development, 1992) حاکی از حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع درون‌سرزمینی با در نظر گرفتن سیاست‌های زیست محیطی و توسعه ملی است. دولت‌ها در صورتی با طرح‌ها و پروژه‌های درخواستی در زیستگاه‌های مشخص شده موافقت می‌کنند که به خطر نیافتادن تمامیت زیستگاه در نتیجه اجرای پروژه محرز باشد و ریسک معقولی وجود نداشته باشد (۶). بنابراین اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع با در نظر گرفتن دیگر تعهدات بین‌المللی

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

دولت‌ها و با تعدیل کردن سیاست‌های توسعه سازگار با محیط زیست باید اجرایی شود. در حالی‌که دولت‌ها بر اساس اصل اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی برای پیشگیری از خسارات زیست‌محیطی مکلف به کنترل فعالیت‌های درون‌سرزمینی هستند.

اعلامیه‌های استکهلم و ریو، اسناد ایجادکنندهٔ عرف بین‌المللی و زمینه‌ساز ایجاد قوانین و معاهدات بین‌المللی در خصوص اصل مسئولیت دولت‌ها در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی هستند. مسئولیت دولت در نظام حقوق بین‌الملل به مسئولیت یک دولت در برابر دولتی دیگر دلالت دارد که به‌دلیل عدم رعایت تعهدات منبعث از نظام حقوق بین‌الملل ایجاد می‌شود. از این‌رو مسئولیت بین‌المللی به عنوان نهاد حقوقی بین‌المللی دربرگیرنده الزام به جبران خسارت مادی یا معنوی وارد بر تابعان حقوق بین‌الملل است. این خسارت باید ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیرمشروع و مخالف حقوق بین‌المللی یکی از موضوعات یا تابعان حقوق بین‌الملل باشد. قابلیت انتساب تخلف بین‌المللی به دولت، برای تحقق مسئولیت بین‌المللی آن ضروری است. اصل ۲ اعلامیه ریو در خصوص توسعه و محیط زیست، مؤید اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم است. اگر خطراتی احتمالی در نتیجه اقدامی متوجه سلامتی انسان و یا محیط زیست آن شود، باید تصمیمی مناسب برای جلوگیری از بروز پیامدهای آن اتخاذ کرد، هرچند که از نظر علمی و فنی در زیان‌بار بودن پیامدهای آن اقدام هنوز یقین علمی حاصل نشده باشد. بر اساس مقدمهٔ کنوانسیون تنوع‌زیستی نیز فقدان قطعیت علمی کامل به منزلهٔ دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابطی برای اجتناب یا به حداقل رساندن تهدیدی عمده برای کاهش تنوع زیستی، بدون ارجاع به یک رهیافت احتیاطی نیست.

پیشگیری از آلودگی مورد تأکید حقوق بین‌الملل محیط زیست است. مدیریت یا ممنوعیت برخی فعالیت‌های منجر به آلودگی محیط زیست از معیارهای مشترک جهانی هستند (۷). اصل پیشگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک در ماده ۳ طرح

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال زیان‌بار منع‌نشده در حقوق بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شده است. این رویه عمدتاً ریشه در رفتار و عملکرد دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی دارد. بر این اساس مسئولیت بین‌المللی ناشی از کوتاهی در تلاش برای پیشگیری از خطرهای فرامرزی متوجه محیط زیست قطعی است. بدیهی است که فرامرزی بودن خسارات زیست‌محیطی، خصیصه بارز جبران خسارات است که مسئولیت تعقیب و مجازات آن برعهده دولت‌ها قرار گرفته است. اصل چهارم طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سال ۲۰۰۶ مبنی‌بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، مبنای مسئولیت بدون تقصیر است. این رویکرد حاکی از قبول نظریه خطر است که بر اساس آن باید زیان برعهده کسی باشد که سود را می‌برد. در هر صورت فعالیت‌های بالقوه خطرناک دارای آسیب‌های مهم هستند. جبران خسارات وارده ناشی از این فعالیت‌ها باید برعهده کسی باشد که این فعالیت را راساً انجام می‌دهد و منافع آن را تحصیل می‌کند. این نوع از مسئولیت در ماده ۴ پروتکل بازل در سال ۱۹۸۹ درباره کنترل انتقالات برون‌مرزی مواد زائد خطرناک و دفع آنها، ماده ۸ کنوانسیون شورای اروپا در سال ۱۹۹۳ در مورد مسئولیت مدنی برای خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست نیز به رسمیت شناخته شده‌اند.

علاوه‌براین اصل احتیاط دارای ظرفیت‌های بالقوه قابلِ اعمال در قلمروهای مختلف حقوق موضوعه است، حتی منشاء ایجادی اصل احتیاط در حوزه قوانین مرتبط با محیط زیست بوده است (۸). اصل احتیاط دارای دو خصیصه وجود خطر بالقوه و عدم قطعیت و یقین علمی است (۹). بر این اساس اصل احتیاط برای پیشگیری از زیان و ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی نیز جزئی از قواعد عرفی است. صرف‌نظر از این‌که اصل اقدامات احتیاطی قبل از اصل جلوگیری مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. قواعد حقوق بین‌الملل عرفی پس از تایید در رویهٔ عملی دولت‌ها لازم‌الاجراء می‌شوند. با

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

اینحال ارزیابی پیشین فعالیت‌های بالقوه خطرناک، تعهدی است که از مفهوم پیشگیری سرچشمه می‌گیرد. با این‌وجود، قلمرو اِعمال اصل احتیاط «خطرهای احتمالی» است. اگر مخاطره‌آمیز بودن پدیده‌ای، قطعی باشد، یا به عبارتی «خطر مسلم و قطعی» باشد از قلمرو اعمال اصل احتیاط خارج است. اما در هر صورت، ارزیابی دقیق تأثیرات زیست‌محیطی، استانداردی برای تعیین‌حدود توجه و دقت در پیشگیری از خطر است. البته توقع اتخاذ تدابیر احتیاطی وسیع دولت‌ها بر اساس اصل احتیاط باید متناسب با امکانات در دسترس آن‌ها برای حفاظت از محیط زیست باشد.

۳) تعهد دولت در کنوانسیون حقوق دریاها

تعهدات بین‌المللی دولت حامی و به کارگیری قواعد بین‌المللی مرتبط با آن زمانی باید به اجراء گذاشته شود که از مطابقت آن با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها اطمینان حاصل شده باشد (۱۰). فعالیت پیمانکار در ناحیه تحت نظارت آن است و دولت عضو متعهد به کنترل و مطابقت رفتارهای آن با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها است. این تعهدات و قوانین بین‌المللی باید به نفع مسئولیت‌ها و تعهدات مقرر در فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها تفسیر شوند. واژه «مراقبت» بار معنایی کمتری از «تضمین» یا «گارانتی» دارد. تضمین یا گارانتی یک رفتار، پذیرفتن مطلق تمام عواقب موردانتظار و خارج از انتظار از آن رفتار است، به نحوی که هیچ ادعایی بر انتفاء مباشرت در آن رفتار از سوی دولت حامی پذیرفته نیست. حتی فعالیت در ناحیه با مباشرت پیمانکار انجام می‌شود، در صورتی‌که دولت حامی ضامن آن تلقی شود تمام عواقب و به طریق اولی جبران خسارات حاصل از فعالیت پیمانکار برعهده آن قرار می‌گیرد. با اینحال شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها با بکارگیری واژه «مراقبت» درصدد است که دولت حامی را از این تعهدات برهاند. این وضعیت با آموزه‌های خصوصی‌سازی مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی منطبق است. محدود کردن مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست‌محیطی به دولت‌ها باعث

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

شده است که بسیاری از خسارات بلاجبران باقی بمانند. بنابراین پوشش بیمه‌ای مسئولیت ریسک قرارداهای نظارت بر عملکرد پیمانکار معدن‌کاو در ناحیه همچنان گزینه‌ای پیش‌روی دولت‌ها است که از آن به‌دلیل ناشناخته بودن استقبال زیادی نشده است.

ماده (۱)۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها باید در پرتو مقررات ماده (۲)۱۳۹ آن قرائت شود که موید رفع مسئولیت از دولت حامی نسبت به مراقبت‌هایی است که باید از پیمانکار و مطابقت رفتار آن بر اساس فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها انجام دهد. چراکه بر اساس ماده (۲)۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها «... دولت حامی برای خسارات ناشی از کوتاهی در رعایت مقررات این قسمت توسط پیمانکار مورد حمایت مالی آن به موجب مقررات ماده (ب)(۲)۱۵۳ کنوانسیون حقوق دریاها مسئولیت ندارد، مشروط به این‌که تمام اقدامات لازم و مناسب را برای تضمین رعایت مؤثر مقررات به موجب ماده (۴)۱۵۳ کنوانسیون حقوق دریاها و ماده (۴)۴ پیوست شماره ۳ آن به عمل آورده باشد». این مطابقت نشان می‌دهد که دولت حامی متعهد به حصول نتیجه‌ای خاص، اعم از قانون‌پذیری یا قانون‌شکنی پیمانکار تحت‌حمایت آن نیست تا عدم حصول آن به یک‌باره مسئولیت جبران خسارات حاصل از عملکرد پیمانکار را برعهده او بگذارد. بر این اساس به صرف اینکه دولت حامی اثبات کند که طی مستندات یا ابلاغ آنها به پیمانکار و نظارت بر انجام مقتضیات آن تعهدات خود را انجام داده است، دیگر مسئولیتی برعهده آن نیست، حتی با رعایت این الزامات بازهم پیمانکار به محیط زیست ناحیه خساراتی وارد کرده باشد.

تصریح «اقدامات مناسب و لازم» در ماده (۲)۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها و ماده (۴)۴ پیوست شماره ۳ آن است. این مقرره بخشی از تعهدات دولت حامی در مراقبت از پیمانکار تحت‌حمایت برای فعالیت در ناحیه است که می‌تواند استانداردی برای «اقدام مقتضی» از سوی دولت حامی برای تحقق مراقبت از پیمانکار باشد. اما در ساختار مسئولیت و تعهدات دولت حامی، «اقدامات مناسب و لازم» مذکور در کنوانسیون حقوق دریاها دارای دو کارکرد

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

متفاوت و در عین‌حال مرتبط با یکدیگر هستند. از یک‌طرف این اقدامات، کارکرد تضمین قانون‌مندی پیمانکار از تعهدات کنوانسیون حقوق دریاها و ابزارهای مرتبط با آن در قرارداد مربوطه را دارا است و از طرف‌دیگر این اقدامات کارکرد مستثنی کردن دولت حامی از داشتن مسئولیت برای خساراتی را دارد که پیمانکار مورد حمایت آن باعث آنها شده است (۱۰). بنابراین در این شرایط صِرف انجام تعهدات از سوی دولت حامی برای رفع مسئولیت جبران خسارات به بار آمده از فعالیت پیمانکار در ناحیه از آن کفایت می‌کند. چراکه فرض بر این است که با انجام مراقبت‌های دولت حامی از پیمانکار علی‌القاعده نباید خسارتی متوجه زیست‌محیط ناحیه شود. با این‌وجود، وضعیت همیشه به این منوال نیست. ممکن است علی‌رغم ایفای تعهدات دولت حامی نسبت به پیمانکار تحت‌حمایت و رعایت قوانین و مقررات فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها باز هم خساراتی به زیست‌محیط دریاها وارد شود. با اینحال این وضعیت به مراتب دارای آثار منفی کمتری برای محیط زیست ناحیه است. بر همین اساس است که امروزه در عرصه بین‌الملل سازوکارهای بهره‌برداری اشخاص خصوصی عموماً از کانال دولت‌ها و با حمایت و مسئولیت آنها می‌گذرد.

انتظار این است که دولت‌ها نظارت لازم را روی اشخاص متبوع خویش داشته باشند و نهادهای بین‌المللی نیز بر فعالیت این اشخاص و دولت‌های متبوع آنها از طریق اعطای مجوز بهره‌برداری از منابع مشترک نظارت و اعمال صلاحیت بین‌المللی کنند (۱۱). بر این اساس واژه «مراقبت» به معنای تلاش دولت حامی برای تبعیت پیمانکار از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها تلقی می‌شود. دولت حامی صرفا تلاش می‌کند تا پیمانکار از مقررات فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها تبعیت کند. به محض ایفای این تعهدات باید پذیرفت که مراقبت از قانونمندی پیمانکار از سوی آن انجام شده است. در صورتی‌که این برداشت مطابق با اراده تنظیم‌کنندگان کنوانسیون حقوق دریاها باشد، دولت حامی «متعهد به عمل» است. نقیض این تفسیر مستلزم این معنا است که دولت حامی «متعهد به نتیجه»

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

نیست، حتی با مراقبت‌های آن از قانونمندی پیمانکار برای فعالیت در ناحیه بازهم در هر صورت خساراتی به زیست‌محیط ناحیه وارد شود، بنابراین جبران این خسارات مطابق با نظر شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها برعهده دولت حامی نیست. در تایید این برداشت البته باید واقعیت‌ها را نیز درنظر گرفت. دولت حامی و پیمانکار مورد حمایت دو موجودیت متفاوت از هم هستند. منطقی نیست دولت حامی را به‌طور مطلق ضامن نتایج حاصل از فعالیت‌های پیمانکار مورد حمایت در منطقه اعماق دریاها دانست. همچنین مقررات فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها با عدم اشاره به مسئولیت مطلق دولت حامی نیز چنین رویکردی دارند. تکنولوژی قابل استفاده در فعالیت‌های پیمانکار در بستر دریاها در هر صورت آثار زیان‌باری برجای می‌گذارد. فاصله مکانی بستر دریاها از قلمرو سرزمینی دولت حامی و یا نماینده دولت حامی باعث سخت‌تر شدن نظارت جامع بر فعالیت‌های پیمانکار می‌شود. از این‌رو تردیدی نیست که تلقی «تعهد به نتیجه» با اشکالات عملی مواجه است. با اینحال این رویه مطابق با نظر قضات شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها است، اگرچه در هر صورت با بایسته‌های حقوق بین‌المللی عرفی در قلمرو محیط زیست هم‌خوانی ندارد.

۴) تعهد دولت در قبال پیمانکار از منظر شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها

تعهد به مراقبت از قانونمندی پیمانکار از مقررات فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها از سوی دولت حامی به اعتقاد شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها از نوع تعهد به عمل و نه تعهد به نتیجه است (۱۰). از این‌حیث «تعهد به عمل» به این معنا است که دولت حامی اقدامات خاصی را برای رفع تکلیف خویش انجام دهد. این اقدامات تابع استانداردهای خاصی است که از آن با عنوان «اقدام مقتضی» (due diligence) یاد می‌شود. مسئولیت دولت به خاطر رفتار اشخاص حقیقی یا حقوقی در آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی تابع دکترین اعمال «اقدام مقتضی» است. در حالی‌که دولت برای رفتار اشخاص حقیقی و حقوقی تحت صلاحیت خود دارای مسئولیت نیست، ولی برای جلوگیری از صدمات بین‌المللی ناشی

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

از رفتار آن‌ها متعهد به اقدام مقتضی است. تعهد دولت حامی به اقدام مقتضی در حوزه حقوق دریاها برگرفته از مقررات فصول ۱۱ و ۱۲ کنوانسون حقوق دریاها است که راجع به فعالیت پیمانکار و نظارت دولت حامی بر آن دارای الزاماتی است.

الگوی اقدامات مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها می‌تواند از مصادیق اقدام مقتضی باشد. از جمله این‌که دولت حامی به محض اطلاع از آلودگی محیط زیست دریا فوراً موضوع را به کشورهای در معرض این خسارت و همین‌طور سازمان‌های بین‌المللی دارای صلاحیت انتقال دهد (ماده ۱۹۸ کنوانسیون حقوق دریاها). دولت حامی از پیمانکار بخواهد که در صورت وقوع آلودگی موضوع را سریعاً به آن اطلاع دهد تا این‌که او بتواند به موقع به این تعهد عمل کند. دولت حامی یا پیمانکار حداکثر تلاش خود را در همکاری با دولت‌های تحت‌تاثیر آلودگی برای از بین بردن آثار آلودگی یا به حداقل رسانیدن دامنه آن به عمل آورد (ماده ۱۹۹ کنوانسیون حقوق دریاها). دولت حامی در ترویج مطالعات، انجام برنامه‌های تحقیقات علمی و تشویق تبادل اطلاعات و آمار به دست آمده درباره آلودگی محیط زیست با دولت‌های تحت تاثیر آلودگی همکاری کند (ماده ۲۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها). دولت حامی به ارزیابی آثار فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده بر آلودگی محیط زیست بپردازد. دولت حامی بیشتر به اقدامات پیشگیرنده آلودگی محیط زیست توجه داشته باشد. دولت حامی به نظارت و ارزیابی تاثیر بهره‌برداری از منابع بستر دریا بر محیط زیست دریایی بپردازد.

استاندارد اقدام مقتضی، تابعی متناسب از میزان خطر صدمات فرامرزی احتمالی است. این شرط برای فعالیت پیمانکار در بستر دریاها و به تبع آن مسئولیت دولت حامی آن نیز صادق است. دولت حامی برای انجام تعهد اقدام مقتضی لازم است که بر اساس ماده (۲)۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها کلیه اقدامات لازم و مناسب را انجام دهد. این اقدامات بر اساس ماده (۴)۴ پیوست شماره ۳ کنوانسیون حقوق دریاها باید «منطقاً مناسب» باشند. از این‌رو، تردیدی نیست که اقدام مقتضی، اقدامی «لازم، مناسب و منطقی» با توجه به شرایط بسترساز آن است. دولت حامی باید

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

اقدامات لازم، مناسب و منطقی را برای تبعیت پیمانکار از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها و مفاد قرارداد فی مابین بعمل آورد. اقدام دولت حامی متوجه فرایند تبعیت پیمانکار از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و قرارداد فی‌مابین است (۱۲). مثلا اینکه به اعتقاد برخی پذیرش قوانین داخلی از سوی پیمانکار به عنوان پیش‌شرط تایید درخواست صدور مجوز از مقام برای فعالیت در منطقه ارزیابی شود (۱۳) یا اینکه از پیمانکار خواسته شود که به لوله‌گذاری یا کابل‌گذاری‌های سابق بر این توجه داشته باشد که حاکی از رعایت حقوق و منافع احتمالی تمام دولت‌ها است (۱۴). تحت این شرایط دیگر نتیجه الزام تبعیت پیمانکار از این مقررات برعهده دولت حامی آن نیست. اما دولت حامی همچنان باید به تعهدات خود عمل کند و پیمانکار را به همکاری با خود و با مقام در تبعیت از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها رهنمون و ملزم سازد. اقدام مقتضی تعهد به مراقبت دارای اقداماتی منطقی مناسبی است. شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها در این زمینه به معرفی شاخص استانداردهای حداقلی در سطح بین‌المللی اکتفاء می‌کند که در ذیل عنوان تعهدات مستقیم دولت حامی شامل؛ اصل احتیاط و بهترین رویه‌های زیست‌محیطی قرار می‌گیرند. در عین حال که انتظار می‌رود تشدید مشکلات محیط زیست متاثر از جهانی شدن حقوق محیط زیست منجر به همگرایی دولت‌ها به سوی استانداردهای عالی بین‌المللی و رعایت آنها برای پیشگیری از اشکالات محیط زیست شود. چنان‌که به اعتقاد برخی جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریاها بخشی از تعهدات عمومی دولت‌ها است (۱۵). بنابراین دولت حامی برای اجرای «تعهد به تضمین» باید به تصویب قوانین لازم بپردازد و به اقدامات اجرایی لازم متوسل شود.

تصویب قوانین و اتخاذ اقدامات اجرایی لازم، جلوه‌ای از اقدام مقتضی است. درحالی‌که، تصویب این قوانین جانشینی برای قرارداد تنظیمی میان دولت حامی و پیمانکار نیستند. مصادیق احتمالی اقدامات اجرایی شامل؛ ارائه معیاری برای زیست‌پذیری اقتصادی پروژه (financial

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

viability)، قابلیت فنی پیمانکار یا اقداماتی برای تحقق مکانیسم‌های اجرایی آن است تا این‌که هدف تضمین قانون‌پذیری پیمانکار و رفع مسئولیت از دولت حامی شناسایی شود. دولت درحالی‌که، مسئولیت مطلق ندارد، ولی ممکن است دولت حامی بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاها با کوتاهی در رعایت تعهدات بین‌المللی منجر به ایراد خسارت مسئول شناخته شود. با این‌وجود، تحت‌شرایط ماده (۲)۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها یک استثناء وجود دارد. اگر پیمانکار مورد حمایت از انجام تعهدات خویش کوتاهی کند و این کوتاهی باعث ایراد خسارت شود، در این شرایط دولت حامی مسئولیتی ندارد.

با اینحال دولت حامی برای برخورداری از این امتیاز باید سابق بر این اقدامات لازم و مناسب برای تضمین مؤثر قانون‌پذیری را اِعمال کرده باشد (۱۰). شعبه در تفسیر عبارت «بدون خدشه به مقررات حقوق بین‌الملل» در رابطه با مسئولیت و تعهد دولت حامی در ماده (۲)۱۳۹ و ۳۰۴ کنوانسیون حقوق دریاها تأکید می‌کند. این تأکید بدین معناست که این استثناء در مورد کوتاهی دولت حامی از انجام تعهدات مستقیم خود کاربرد ندارد. دولت حامی صرفاً متعهد به کاربرد ابزارهای مناسب و تلاش کافی برای حصول نتیجه حداکثری و دستیابی به این اهداف است. در حالی‌که تعهد طرفین، نه‌تنها تصویب قوانین مناسب و به کارگیری آنها است، بلکه درجه‌ای از پیگیری‌های لازم و اقدامات کنترلی قابل اعمال به عوامل خصوصی و عمومی از جمله نظارت بر فعالیت‌های عوامل و تضمین حقوق طرف مقابل را دربرمی‌گیرد. اما در هر صورت اثبات تخطی از تعهد به اقدام مقتضی و اتخاذ اقدامات مناسب زمینه‌ساز آن در اعمال قوانین مرتبط با آن به عوامل خصوصی و عمومی تحت صلاحیت موجب مسئولیت دولت خاطی است (۱۶).

نتیجه‌گیری

دولت حامی برای کوتاهی پیمانکار تحت‌حمایت از انجام تعهداتش مسئولیتی ندارد. دولت زمانی مسئولیت دارد که از انجام تعهدات مقتضی کوتاهی کرده باشد. بر این اساس دولت عضو باید اقدامات لازم

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

را برای اطمینان از مطابقت فعالیت‌های در حال انجام پیمانکار تحت‌حمایت در اعماق دریاها با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها انجام دهد. تصویب و اجرای قانون داخلی برای اطمینان از مطابقت فعالیت‌های در حال انجام پیمانکار در اعماق دریاها بر اساس تعهدات مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها برعهده دولت حامی است. دولت عضو متعهد است که مقررات فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها را راجع به فعالیت‌های پیمانکار تحت‌حمایت در ناحیه نیز رعایت کند. تعهدات کلی برای حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا به موجب مقررات فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها مستلزم انجام تعهدات خاص در اجرای مقررات کنوانسیون حقوق دریاها از سوی پیمانکار برای فعالیت در ناحیه است.

از این‌رو دولت‌های عضو موظف به انجام اقدامات مؤثر برای جلوگیری، کاهش یا کنترل آلودگی با بهره‌گیری از ابزارهای در دسترس خویش و جلوگیری از ایراد صدمه به دولت‌های دیگر یا محیط زیست آنها هستند. اقدامات دولت‌ها برای جلوگیری، کاهش یا کنترل آلودگی باید الگویی برای اقدامات دولت حامی در هماهنگی با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها و همین‌طور حمایت و حفاظت از ایراد صدمه به محیط زیست دریا تلقی شود. اقدامات مقرر در این فصل محدود به نفی آلودگی است. با اینحال این اقدامات باید با توجه به دیگر مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها مُتصف به خصوصیات دیگری از جمله؛ مبتنی‌بر بهترین رویه، منتهی نشدن به خسارت به دیگر دولت‌ها یا محیط زیست آنها، دارای حداقل آلوده‌کنندگی و دیگر آثار مخرب بر محیط زیست و حمایت و حفاظت از اجزاء سازنده محیط زیست دریایی از جمله اکوسیستم شکننده و کمیاب و نیز زیستگاه‌های نمونه در معرض تهدید یا خطر تلقی شود.

با این‌وجود، برای به اجراء گذاشتن مقررات کنوانسیون حقوق دریاها علیه دولت خاطی لازم است که خسارت در اعماق دریاها ایجاد شده باشد. از این رو مسئولیت دولت عضو از نوع مسئولیت برای ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی و نه

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

مسئولیت مطلق است. بدین معنا که، باید ثابت شود که دولت حامی از تعهدات خود مبنی‌بر مراقبت از پیمانکار کوتاهی کرده است. به طریق اولی کوتاهی آن باعث ایراد خسارت به زیست‌محیط دریاها شده است. این در حالی است که مقررات حقوق بین‌الملل عرفی برای ایجاد مسئولیت دولت دارای تعهد بین‌المللی، نیاز به وقوع خسارت واقعی ندارد. اما رویکرد شعبه با تلقی محدود بودن تعهدات دولت حامی به مراقبت از پیمانکار و نه مسئولیت مطلق آن به نظر می‌رسد مبتنی‌بر ضرورت وجود رابطه علیت است. اگر رابطه علیتی میان کوتاهی دولت عضو از انجام تعهدات به مراقبت از پیمانکار و خسارت ایجاد شده از سوی پیمانکار در ناحیه وجود نداشته باشد، نمی‌توان او را مسئول خسارت وارده دانست. بر اساس تفسیر قضات شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها اگر دولت حامی بتواند ثابت کند که نظارت بر قانونمندی پیمانکار از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها محقق شده است، دیگر مسئولیت پیمانکار و دولت عضو از نوع تضامنی یا فردی نیست. چراکه عمل غیرقانونی منجر به ایراد خسارات به زیست‌محیط ناحیه در نتیجه انجام عملیات پیمانکار است و جبران آن نیز برعهده او است. اگر پیمانکار خسارت را پرداخت کند، دیگر جایی برای جبران خسارت دولت عضو وجود ندارد. بنابراین پیمانکار در مرحله اول مسئول پرداخت خسارت است. اگر پیمانکار نتواند کل خسارت را پرداخت کند، دولت حامی تنها در صورتی مسئولیت پرداخت دارد که از تعهدات مقرر خود در کنوانسیون حقوق دریاها بر نظارت بر فعالیت پیمانکار در ناحیه کوتاهی کرده باشد. اگر دولت عضو تعهدات خود را نسبت به پیمانکار انجام داده باشد، کسری جبران خسارت تا زمان ایجاد صندوق امانات بدون پاسخ است.

این تفاسیر بدین معنا است که اگر خسارتی ایجاد شود که دولت حامی، مسئول آن نباشد، ناگزیر با یک خلاء قانونی مواجه هستیم که این خسارت چگونه باید جبران شود. شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها برای حل این معضل پیشنهاد تشکیل صندوق امانات را برای پرداخت خسارات بدون مقصر داده است. این رویکرد باعث توسعه رژیم جبران خسارت برای فعالیت

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

در اعماق دریاها است. با اینحال پرداخت خسارات از این صندوق برعهده تمام دولت‌های عضو است. در حالی‌که مسئولیت جبران آن متوجه تمام دولت‌های عضو نیست. محول کردن این مسئولیت باعث پیگیری دولت‌های عضو در اثبات کوتاهی دولت عضو حامی پیمانکار از تعهدات و مسئولیت‌های مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها و جبران خسارات وارده توسط آن می‌شود. با اینحال رویکرد فعلی شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها مبنایی برای رد ماهوی دعاوی مشابه آتی در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها است، مگر اینکه چنین دعاوی در مراجع دیگر بین‌المللی مطرح شود که بر اساس منابع حقوق بین‌الملل عرفی رسیدگی می‌کنند که تفسیر و مبنای شعبه حل‌اختلاف بستر دریاها در این مراجع بین‌المللی به‌دلیل طرف دعوی نبودن، جایگاهی ندارد.

فهرست منابع

References

1. Salehi J. (2018). Jurisdiction in the international law of the sea in conflict between right to protection of offshore facilities and freedom of navigation. Journal of Oceanography, 8 (32): 21-30. (In Farsi with English abstract).

2. Crawford J. (2013). State responsibility: general part, New York, Cambridge University Press.

3. Zamani G.H. (2016). Convergence and divergence of Individual criminal responsibility and international responsibility of States for wrongful acts: Taking a Look at Iran- Iraq War Case (1980). the Quarterly Journal of Public Law, Vol. 18(51): 9-29. (In Farsi with English abstract).

4. Salehi J. (2017). Advisory opinion of the international tribunal for the law of the sea; manifestation of flag state obligations on illegal fishing by vessels flying its flag in the exclusive economic zone of third state. Journal of Oceanography. 7 (28): 1-12. (In Farsi with English abstract) .

5. Solhchi M.A. (2015). State responsibility for violation of human rights by transnational corporations. the Quarterly Journal of Public Law. Vol. 16(44): 105-128. (In Farsi with English abstract).

6. Jiang P. (2014). A uniform precautionary principle under EU law. PKU Transnational Law Review. 2(2): 490-518.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

7. Barboza J. (2010). The Environment, risk and liability in international law. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.

8. Zwaag D.V. (2013). The ICJ, ITLOS and the precautionary approach: paltry progressions, jurisprudential jousting. University of Hawai'I Law Review. 35(2): 617-632.

9. Ramazani Ghavamabadi M.H. (2013). A Comparative study of "precautionary principle" in opinions and decisions of internationals tribunals. the Quarterly Journal of Public Law. Vol. 15(40): 141-164. (In Farsi with English abstract).

10. Seabed Disputes Chamber of the ITLOS. (2011). Responsibilities and obligations of states sponsoring persons and entities with respect to activities in the area, Advisory Opinion.

11. Esmaeili M. and Rahimi A.A. (2018). Exploitation by private persons of the objects situated beyond the national jurisdiction of states and the related mechanisms. International Law Review. 35(59): 119-142.

12. Zhang H. (2013). the Sponsoring state's 'obligation to ensure' in the development of the international seabed area. International Journal of Law Marine and Coastal Law. 28: 681–699.

13. Mahmoudi Kordi Z. and Mohammadaliyan M. (2019). The challenges of environmental responsibility of sponsor state for pollution caused by mining in the area. Legal Research Quarterly. 22(85): 195-218. (In Farsi with English abstract).

14. Salehi J. (2020). Submarine pipelines in contrary to the sovereign rights of the coastal state's exclusive economic zone and continental shelf. Journal of Researches Energy Law Studies. 6(1): 153-171.

15. Razavirad M. (2020). Legal status of the environmental requirements of the MARPOL convention for the states parties to UNCLOS. Journal of Researches Energy Law Studies. 6(1): 115-131.

16. International Court of Justice. (2010). Case concerning pulp mills on the river Uruguay (Argentina v Uruguay). Judgment, I.C.J. Reports.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]

Requirements of the UNCLOS; the Manifestation of Supervision and Control's Contractor Commitments for Exploitation of Area Resources

Javad Salehi

Associate Professor of Payam-e-Noor University, Tehran, Iran.
javadsalehi@pnu.ac.ir

Abstract

Exploitation of the mineral resources of the sea is a matter of concern for all states and their citizens. Exploitation of resources located in the Seabed Area is a matter of the requirements of the UNCLOS, which must be observed by its all member states. However, some provisions of the UNCLOS have general and ambiguous requirements for member states to support the performance of contractors in the Seabed Area. In this regard, states parties to the UNCLOS are concerned that, by supporting the economic activity of contractors in the Seabed Area, the obligation to compensate them for their damaging actions may not be incurred. Because these states are not in charge of exploiting the mineral resources of the Seabed Area. It is obvious that their economic income is small due to the support of the applicant contractors. Resolving the ambiguity of this concern is the issue of advisory opinion that has been requested from Seabed Disputes Chamber of the International Tribunal Law of the Sea to interpret the provisions of the UNCLOS. Judges of the Seabed Disputes Chamber interpret the main concepts set forth in chapters 11 and 12 of the UNCLOS, including due diligence, obligation to ensure, and obligation to achieve, argued that the sponsor state's obligations to the sponsored contractor's activities is obligation to ensure. The sponsor state advocating for the contractor to comply with the provisions of the UNCLOS and the contracting parties, use appropriate instruments and endeavor to achieve maximum results and achieve these goals. Under these conditions, the responsibility for the damage by sponsored contractor to the Area environment is not borne to state. This approach means that compensation for the damage to the marine environment remains unresolved or that it is compensated by the fund at the expense of the UNCLOS's all states parties.

Keywords: Contractor, United Nation Convention on the Law of the Sea, Seabed Disputes Chamber, International Tribunal Law of the Sea, Sponsor State.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-06-14]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1399.13.1.4.4]